



قاعدتاً در برخی از محصولات رقابت وجود دارد. ولی عمده کالاهای پتروشیمی ما صادر می‌شود و هر چه تلاش شد، نتوانستند محصول صادراتی را در بورس بیاورند. در واقع بنگاه‌ها حاضر نیستند که محصولات صادراتی را در بورس عرضه کنند. در صورتی که اگر به بورس می‌آمدند، بسیار شفاف‌تر می‌شد در مورد آنها اظهارنظر کرد. دولت هم در مقابل پتروشیمی‌ها نتوانسته کاری انجام دهد. دلیلش هم آن است که مدیران نمی‌خواهند برای خودشان دردسر درست کنند و جوابگوی دستگاه‌ها و سازمان‌ها باشند.

■ پتروشیمی‌ها قدرت زیادی دارند و سهم صادراتی‌شان هم بالاست. به نظر شما این موضوع موجب شده تا مقاومتی برای حپور در بورس داشته باشند؟

بله؛ شما ببینید پتروشیمی‌ها اگر کمی دیر و زود ارزش را به کشور بیاورند، بازار را دچار مشکل می‌کنند چرا که حداقل ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار ارز صادراتی پتروشیمی است و قطعاً این موضوع مهم است.

■ به نظر شما در این شرایطی که کشور با چالش‌های مختلف داخلی و خارجی مواجه است، برای خصوصی‌سازی یا اصلاح ساختار خصوصی‌سازی آیا می‌توان یک حرکت انقلابی کرد؟

● **فاطمی:** واقعیت این است که ما باید بتوانیم در ابتدا فضای آزادسازی را فراهم کنیم. دوم اینکه، اگر نهادهای بزرگ حاکمیتی در اقتصاد هستند، زمین فعالیت‌شان برابر با بخش خصوصی باشد و از شرایط یکسانی برخوردار باشند. نباید زمین به نفع کسانی که بازیگر بخش حاکمیتی یا خصوصی‌ها هستند کج باشد. سوم اینکه، فضای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم شود و چهارم اینکه، تکلیف ارز هم مشخص شود.

■ اما این موارد که شما اشاره می‌کنید، یک شرایط متعادل و نرمال می‌طلبد و در حال حاضر این شرایط در کشور حاکم است؟

● **فاطمی:** خب شرایط مملکت را نرمال و متعادل کنیم. چه دلیلی دارد که من همواره نگران سیاست‌های دولتی باشم. سیاست‌گذاران باید هر کاری برای ایجاد شرایط نرمال، انجام دهند. در غیر این صورت همین آتش است و همین کاسه. اگر لازم است فضای سیاسی را درست کند، نظام تعرفه‌ای را درست کند یا نظام پولی را اصلاح کند باید به این سمت برود تا کسب و کارها بتوانند رونق پیدا کنند و این حداقل خواسته فعالان اقتصادی است. ▢

یک کرسی در هیأت مدیره را در اختیار دارند. اما در ایران، مقدار زیادی اموال در اختیار آنهاست و هر از گاهی هم که بنگاهی واگذار می‌شود، مدیریت همچنان در اختیار آن نهاد است. در نهایت هم می‌بینیم که به اندازه‌ای که انتظار می‌رود درآمد کسب نکرده. کل بحث بخش خصوصی هم این است که دولت آمده مالکیت را واگذار کرده و مدیریت را در اختیار گرفته. در صورتی که اگر برعکس عمل می‌کرد بهتر بود. یک زمانی هم دولت مطرح کرد که پتروشیمی را به هلدینگ می‌دهد ولی حاضر نشد از مدیریت دل بکند.

■ می‌خواهیم کمی جزئی‌تر در مورد خصوصی‌سازی صحبت کنیم و به صنعت پتروشیمی بپردازیم. چرا در زنجیره ارزش پتروشیمی، صنایع بالادستی عموماً به خودی‌ها می‌رسد و صنایع پایین دست را بخش خصوصی به دست می‌گیرد و البته بخش میانی که مربوط به فناوری و «آران دی» هست مغفول می‌ماند؟

● **فاطمی:** واقعیت این است در صنایع بالادست، تعداد بازیگران کمترند و به همین واسطه به ارکان قدرت نزدیک‌ترند. در نتیجه قدرت انحصار و رانتی که آنجا تجمع می‌شود بیشتر است. طبیعی است شما هم هر جا که به مرکز قدرت نزدیک‌تر باشید، سعی می‌کنید همان جا بمانید. این هم بعضاً به بهانه‌هایی مانند امنیتی بودن و... اتفاق می‌افتد. حال آنکه تجربه دنیا نشان داده اگر نگرانی اصلی از امنیت داده یا امنیت شهروندان یا امنیت غذایی است، لزوماً راهش ورود دولت و شبه دولت به کار اقتصادی نیست. حتی چینی‌ها هم امور را به بخش خصوصی سپرده‌اند و اگر نگرانی بابت رفتار بخش خصوصی دارند در هیأت‌های مدیره، شخصی را می‌گذارند که مطلع باشند نه اینکه مدیریت کنند و مالکیت داشته باشند.

● **حسینی:** من اینجا می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که ما در اتحادیه صادرکنندگان نفت و گاز پتروشیمی ۳۴۰ تا ۳۵۰ عضو داریم که حدود ۱۰ عضو ما را همین بنگاه‌های مربوط به نهادهای عمومی تشکیل می‌دهند که خیلی هم بزرگ هستند. از زمانی که در این اتحادیه هستیم، هیچ موقع ثبات مدیریتی در این بنگاه‌ها ندیده‌ام. ممکن است حتی سالی دو سه بار مدیر عوض کنند. این بی‌ثباتی در مدیریت هم موجب شده که هیچ‌کس نتواند کار مهمی انجام دهد. برای تغییر نیاز است حداقل سه الی چهار سال زمان صرف شود. فکر نمی‌کنم در هیچ کجای دنیا چنین بی‌ثباتی‌ای در مدیریت‌ها باشد. اگر از این نهادها، رانت‌های‌شان را بگیرند، هیچ یک نمی‌توانند سودده باشند. ولی حالا با این امکانات و اختیاراتی که دارند هر کسی را هم آنجا بگذارید حداقل سودی دریافت می‌کند. ولی هیچ نوآوری ندارند. به عنوان مثال ما سال‌هاست در کشور، روغن پایه یک تولید می‌کنیم که فقط ۲ هزار کیلومتر جواب می‌دهد. در صورتی که دنیا به سمت تولید روغن‌هایی رفته که ۲۰ هزار کیلومتر یا ۳۰ هزار کیلومتر کار می‌کند. به نظر من این بنگاه‌ها اگر دولتی می‌ماندند بهتر بود. اشتباه دیگری که انجام شد، به هم زدن زنجیره بود. قبل از خصوصی‌سازی، نیروگاه‌ها با هم زنجیره بودند، ولی الان هر کدام صاحب جداگانه‌ای دارند. قبلاً می‌توانستند از ظرفیت همدیگر استفاده کنند و به هم کمک کنند ولی الان نمی‌توانند. آن زمان حداقل مدیریت یکپارچه بود. مالکیت هم یکسان بود. تنها اتفاقی که به نظر من مثبت بود، این بود که بخشی از صنعت پتروشیمی را نتوانستند در هلدینگ خلیج فارس نگه دارند و یک شیر پاک خورده‌ای گفت این زنجیره پتروشیمی را تک به تک واگذار نکنید. همین هم باعث شد که هلدینگ خلیج فارس امروز بتواند حرفی برای گفتن در صنعت پتروشیمی داشته باشد. بنابراین اعتقاد دارم ما نباید زنجیره‌ها را از هم جدا می‌کردیم و این خود پاشنه زنجیر را تضعیف کرد.

■ به نظر شما صنعت پتروشیمی ما یک صنعت رقابتی است یا خیر؟  
● **حسینی:** صنعت پتروشیمی بیشتر با نگاه صادرات توسعه پیدا کرده

عکس:  
علی محمدی

